

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مصحح

مؤلف

رساله حاضر، از حکیم الهی، جامع اقسام حکمت بحثی و ذوقی، جناب شمس الدین محمد بن احمد خفّری شیرازی، معروف به فاضل خفّری است.

فاضل خفّری از افاضل حکمای قرن نهم در عصر شاه اسماعیل صفوی به شمار می‌آید، و از اعظم تلامذه میر صدرالدین دشتکی شیرازی است.

بنابر نقل مرحوم دهخدا سالها شاگردی ملاسعد الدین تفتازانی را کرده است و از معاصران محقق کرکی است.

زادگاه مؤلف، خَفْر (به فتح اول و سکون دوم) از نواحی شیراز است. گویند قبر «جاماسب» حکیم نیز در آنجاست. وی در کاشان و شیراز به سر می‌برده است.

صاحب مجالس المؤمنین، در مجلس هفتم از ایشان این چنین یاد می‌کند:

المولی الحکیم الإلهی شمس الدین محمد الخضري - رحمه الله تعالى - از اعظم تلامذه صدر الحکماء، میر صدر الدین محمد شیرازی^۱ و در غایت فطرت و بلند پروازی است. جامع اقسام حکمت بحثی و ذوقی، با روح افلاطون و ارسطو خطاب ﴿إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (البقره (۲): ۳۰). مآثر فکر قویمش، مؤید احکام نقلی و نتایج عقل مستقیمش، مشید قاعده حسن و قبح بود.

صاحب اعیان الشیعه از ایشان به «الفاضل الحکیم» یاد کرده است. وی در علوم معقول صاحب نظر بوده است چنان که قائل به نفی جزء لایتجزی است، و هیولی را شخص

۱. مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۳۴



واحد می‌داند که صور و هیأت بر آن توارد دارد، و منکر مذهب صور مرتسمه است. مرحوم صدر المتألهین - قدس سره - این سه نظریه ایشان را در اسفار آورده و نقد کرده است.^۱

مذهب مؤلف

قاضی نور الله شوشتری - قدس سره - در مجلس هفتم از مجالس المؤمنین وی را از فرزندان شیعی به شمار آورده است، و در این باره می‌نویسد:

نهال فطرت سلیمه وی به آفتاب مهر و شبنم محبت خاندان نبوت پرورده، و گلشن عقیده صحیحه اش از کوثر ارادت و سلسبیل اخلاص دودمان ولایت آب خورده.

صاحب مجالس المؤمنین، با نقل دو واقعه در پی اثبات شیعه بودن وی بر می‌آید: نخست می‌نویسد که:

در روزگار شاه اسماعیل صفوی شهربانان و سران هر شهری مردم را آئین شیعی می‌آموختند، و ناگزیر می‌ساختند که از خلفای سه‌گانه بیزاری جویند، و بر آنها نفرین فرستند. روزی داماد خفری هراسان نزد وی رفت و گفت که سرگذشت چنین است، چه باید کرد؟ خفری بدو گفت: برو و بر آنها نفرین کن که دو سه عرب عامی جلف بوده‌اند. باز می‌گوید:

هنگامی که شاه اسماعیل، شروان و آذربایجان را گرفته بود، دانشمندان سنی عراق از ترس می‌گریختند، از شهری به شهری می‌رفتند، چنانکه در کاشان کسی نماند که داوری کند و فتوی دهد، ناگزیر مردم نزد خفری رفته، پرسشها می‌کردند و او از روی هوش و خرد خویش - با اینکه فقه نخوانده بود - به پرسشهای آنان پاسخ می‌داد. شیخ علی بن عبدالعالی (محقق کرکی) در آن هنگام به کاشان رفت و خفری را بدید و به نوشته‌های او نگریست، دید که همه سخنان او با گفته‌های دانشمندان شیعی سازگار می‌باشد. و فرمود: این موافقت و مطابقت، دلیل صحت قاعده حسن و قبح عقلی است که طایفه امامیه و معتزله برآند. گرچه قاضی نور الله شوشتری - قدس سره - با نقل دو واقعه یاد شده در پی اثبات شیعه بودن خفری است، ولی به یقین نمی‌شود از این دو واقعه، حکم به شیعه بودن وی کرد. شاید خفری در ابتدا سنی بوده و بعد شیعه شده است، یا اینکه از روی تقیه اظهار به تشیع کرده است که با توجه به جریان اول این احتمال قوی به نظر می‌رسد. والله العالم.

۱. الأسفار الأربعة، ج ۵، ص ۷۶-۳۴؛ ج ۶، ص ۲۲۱